

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال پنجم، شماره هفدهم، پاییز ۱۳۹۲

صفحات: ۴۰-۲۱

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۳/۱۳- تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۶

«خانواده» و مناسبات خانوادگی در دیوان پروین اعتصامی

مریم السادات اسعدی فیروزآبادی*

چکیده

پروین اعتصامی در دیوان اشعار خود، بارها از خانواده و اعضای تشکیل دهنده آن و مناسبات بین آن‌ها به انحای گوناگون سخن گفته است. این بانوی شاعر، گاه از جایگاه زن در مقام همسر سخن می‌گوید و گاه نقش زن را در مقام مادر تبیین می‌کند، زمانی مرد را در جایگاه همسر و زمانی دیگر او را در مقام پدر به تصویر می‌کشد. فرزندان و ارتباطات آن‌ها با والدین نیز، از نظر او دور نمانده‌اند. او در سخن گفتن از خانواده و بیان تعاملات میان اعضا، از شیوه‌های گوناگونی استفاده می‌کند. تشبیه، تمثیل و حکایت پردازی، از شگردهای اوست که در آن‌ها اطفال یتیم، حیوانات به ویژه طیور و صاحبان مشاغل، به طرق مختلف، ایفای نقش می‌کنند. اگرچه بسیاری از پژوهشگران، درباره‌ی شخصیت زن در شعر و ادب فارسی سخن گفته‌اند؛ اما تحقیق درباره‌ی مناسبات خانوادگی از خلال متون ادبی، کمتر صورت گرفته است و تتبع در این زمینه، ما را در شناخت هرچه بیشتر و بهتر شخصیت، اعتقادات و اندیشه‌های شاعر یاری می‌رساند. پژوهش حاضر که به شیوه توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است، بیانگر آن است که از میان اعضای خانواده، زن به ویژه در مقام مادر، در دیوان پروین اعتصامی از نقش پررنگ‌تر و جایگاه والاتری نسبت به اعضای دیگر برخوردار است.

کلید واژگان: پروین اعتصامی، خانواده.

*استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور استان یزد، مرکز مهریز (نویسنده مسئول: ma2463@yahoo.com)

مقدمه

آثار ادبی به جای مانده از شاعران و نویسندگان ما، گنجینه های ارزشمندی هستند که به سبب ارتباطشان با فرهنگ، سیاست، تاریخ، روابط و مسایل اجتماعی و... می توانند علاوه بر جنبه های ادبی، از جنبه های دیگر نیز مورد توجه و بررسی قرار گیرند. این همه بدان سبب است که ادبیات ما آینه زندگی ماست و هر آن چه در گذر عمر و زندگی روزمره با آن مواجهیم، به نوعی می توان انعکاس آن را در ادبیات باز یابی کرد. ادبیات با جامعه ارتباطی انکار ناپذیر دارد و نقد اجتماعی، ارتباط ادبیات با جامعه و تأثیر جامعه بر ادبیات، همچنین تأثیر ادبیات بر جامعه را بررسی می کند. (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۳۵) جامعه شناسی ادبیات که یکی از نوس ترین شاخه های جامعه شناسی است، تلاش می کند تاریخ اجتماعی را از خلال آثار ادبی باز نویسی کند. (فطوره چی، ۱۳۸۴: ۱۴) این علم، جامعه شناسی مفاهیمی چون اقتدار خانوادگی، قدرت سیاسی، ارزش های اخلاقی، آرمان خواهی و... است و جامعه شناسی شخصیت هایی چون زن و مرد، پدر و مادر، جوان و کودک و... را نیز در بر می گیرد. (اسکار پیت^۱، ترجمه ی کتبی، ۱۳۷۶: ۷)

یکی از آثار ادبی معاصر که از حیث وفور اجتماعیات، بسیار حایز اهمیت و قابل تأمل و بررسی است، دیوان اشعار پروین اعتصامی است. شاعری که با طرح مسایل و مشکلات جامعه به اشکال گوناگون، تلاش نمود در اصلاح اجتماع عصر خویش سهم خود را ادا کند. یوسفی، درباره ی سروده های او می نویسد: «شعر پروین از لحاظ فکر و معنی بسیار بخته و متین است، گویی اندیشه گری توانا حاصل تأمل و تفکرات خود را درباره ی انسان و جنبه های گوناگون زندگی و نکات اخلاقی و اجتماعی به قلم آورده است.» (یوسفی، ۱۳۸۸: ۴۱۴)

پروین اعتصامی در دیوان خود در کنار مسایل مختلف اجتماعی، از «خانواده» که کوچکترین نهاد اجتماعی است، غافل نبوده و بسیاری از اشعار او، حول محور خانواده و مناسبات خانوادگی است. آشنایی با دیدگاه های این شاعر در این خصوص، به عنوان یک بانوی فرهیخته، برای بسیاری از افراد جالب و جذاب است و در شناخت شخصیت این شاعر ما را یاری می کند، حال آن که پیرامون آن پژوهشی صورت نگرفته، اگر چه درباره شخصیت «زن» به تنهایی در متون ادبی بسیار سخن رفته است. بیان مسأله: پروین اعتصامی، این بزرگ زن شاعر معاصر، در جای جای اشعار خود، درباره ی خانواده و مسایل پیرامون آن سخن گفته است. او در طرح دیدگاه های خود، از یک طرف تحت تأثیر حس زنانگی خود و از طرف دیگر تأثیر پذیر از فرهنگ عصر خویش است و از جهتی نیز به آن انتقاد می کند. بررسی دیوان اشعار او از این جهت، کاری ارزشمند است و در روشن شدن زوایای شخصیت و اندیشه های او مؤثر است.

دختر یوسف اعتصامی، خود، در زندگی زناشویی با شکست مواجه شده و مدت زندگی مشترک او بیش از هفتاد و پنج روز نبوده است. دلیل این ناکامی را عدم تناسب و همگونی بین او و همسرش دانسته اند. شاعر در سه بیت، به این زندگی ناموفق خود اشاره می کند. در این نوشته ی پژوهشی،

۱. Escarpit

پس از گذری بر زندگی شخصی پروین اعتصامی و انعکاس آن در اشعارش، ابتدا، درباره‌ی جایگاه زن و مرد در نقش «همسر» و «پدر و مادر» در دیوان او سخن می‌رود. سپس در بخشی دیگر، چگونگی زندگی مشترک و شرایط آن در نظر شاعر تبیین می‌گردد و در پایان، فرزندان در خانواده به عنوان ثمره‌ی زندگی مشترک مورد بحث قرار می‌گیرند. گفتنی است، حیطه خانواده و مسایل مربوط به آن، بسیار گسترده است. در این مقاله، مواردی که در دیوان این بزرگ بانوی شاعر به آن‌ها اشاره گردیده بررسی می‌شود و اصلی‌ترین سؤالات تحقیق از این قرار است:

۱- بازتاب زندگی شخصی و خانوادگی پروین اعتصامی در مجموعه اشعارش چگونه است؟

۲- زن در نقش همسر و مادر در دیوان پروین اعتصامی چه جایگاهی دارد؟

۳- مرد در نقش همسر و پدر در دیوان این شاعر زن از چه جایگاهی برخوردار است؟

۴- دیدگاه پروین اعتصامی درباره‌ی زندگی مشترک زن و شوهر چگونه است؟

۵- فرزندان در دیوان این شاعر از چه جایگاهی برخوردارند؟

هدف تحقیق:

آشنا شدن با دیدگاه‌های پروین اعتصامی درباره خانواده و مسایل مربوط به آن

روش تحقیق:

توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد.

۱- تعریف خانواده

«خانواده، واحدی اجتماعی است با ابعاد گوناگون زیستی، اقتصادی، روانی، حقوقی و جامعه‌شناختی که عناصر اصلی جامعه را در خود دارد و انعکاسی از اوضاع اجتماعی است.» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۳۶) واژه خانواده، علاوه بر افراد، به روابط بین آنان نیز اشاره دارد. (سگالن^۱) ترجمه‌ی الیاسی، (۱۳۷۰: ۱۸)

اگر چه خانواده و ازدواج یکی نیستند؛ ولی ارتباط نزدیک و تنگاتنگی بین آن‌ها وجود دارد؛ چرا که از طریق پیوند‌های ناشی از ازدواج است که خانواده تشکیل می‌گردد. (شیخی، ۱۳۸۰: ۳۵) «ازدواج، عملی است که پیوند بین دو جنس مخالف را بر پایه‌ی روابط پایای جنسی موجب می‌شود» (ساروخانی، ۱۳۷۹: ۲۳)

۲- گزینش همسر

ازدواج هر فرد، بزرگترین اتفاق در زندگی اوست که چگونگی زندگی او را تا آخر عمر تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین، قبل از وقوع آن، باید در انتخاب همسر دقت کافی به خرج داد. یکی از مسایل مهم در گزینش همسر، توجه به اصل اساسی «همسان همسری» است.

۲-۱- همسان همسری

عموم صاحب نظران بر این اصل به عنوان معیار عام انتخاب همسر در جوامع گوناگون توافق دارند.

۱. Segalen

این اصل می گوید، افراد برای ازدواج، معمولاً فردی را که از بیشترین سطح همسانی و مشابهت با آنان برخوردار باشد برای همسری بر می گزینند و هرچه وجوه اختلاف بیشتر و بارزتر باشد، تمایل به یکدیگر کاهش می یابد. (بستان، ۱۳۸۵: ۳۸) همسانی میان دو طرف، نه تنها آنان را به سوی یکدیگر جذب می کند؛ بلکه پیوند آن ها را استوارتر می سازد، به عبارت دیگر، ناهمسانی میان دو فرد، سرچشمه ی کشمکش های خانوادگی است. (ساروخانی، ۱۳۷۹: ۴۱)

صاحب نظران بر جنبه های متعدد همسانی از قبیل همسانی قومی، طبقاتی، نژادی، دینی، فرهنگی، شخصیتی و... تأکید می ورزند؛ اما به نظر می رسد از میان جنبه های گوناگون، همسانی شخصیتی و فرهنگی، نقش اساسی تری در استحکام پیوند زناشویی ایفا می کند. (بستان، ۱۳۸۵: ۱۹۲) در اسلام، از همسان همسری به «کفویت» تعبیر شده و بیشتر همسانی دینی و اخلاقی مورد توجه قرار گرفته است. (بستان، ۱۳۸۵: ۱۹۵، نیز رک: قائمی، ۱۳۶۲: ۸۱)

پروین اعتصامی که خود زخم خورده ی ناهمسان همسری است، این اصل اساسی را در قالب یک تمثیل حیوانی که در آن بازشکاری از ماکیانی خواستگاری می کند، مطرح می سازد. در این مثنوی کوتاه، اگرچه در ظاهر، خواستگار از موقعیت اقتصادی و اجتماعی خوبی برخوردار است و با سخنان فریبنده، همسر آینده ی خود را دوست و هم پیمان خود می نامد و تعهد می کند تا لحظه ی مرگ وفاداری خود را حفظ کند؛ اما ماکیان به سبب آن که بین خود و بازشکاری تناسب و همسانی نمی بیند، زیر کانه و قاطعانه پاسخ رد می دهد.

نمود از ماکیانی خواستگاری...	به بام قلعه ای، بازشکاری
ز تنهایی، بسی اندوهناکم...	که من ز آرایش ایام پاکم
هوای صحبت و پیوند داریم	پذیره گر شوی، خدمتگزاریم
ولی این زندگی بی دوست، مرگ است...	مرا انبارها پر توش و برگ است
اگر کابینت بایسد، ارزن آرم	ز پیر هدهدت پیراهن آرم
تمام روز در نخجیر گاهم	من از بازان خاص پادشاهم
اگر آزاد و گر در بند باشیم..	بیا، هم عهد و هم سوگند باشیم
مرا چون پاسبان، بر در نشانی	تو فرزندان به زیر پر نشانی
چو گاه مرگ شد، با هم بمیریم	به روز عجز، دست هم بگیریم
نشد دشمن بدین افسانه ها دوست...	بگفتا: مغز را مگذار در پوست
نخواهد بود این پیوند، مقدر	مرا تا ضعف عادت شد، تو را زور
چنین پیوند را پایان، سیاهی است...	ازین معنی سخن گفتن تباهی است
نه انجام است این ره راه، نه آغاز...	نه هم خوئیم ما با هم، نه هم راز

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۹۲)

۳- زندگی خانوادگی پروین اعتصامی

۳-۱- زندگی زناشویی

پروین اعتصامی در تیر ماه ۱۳۱۳ با پسر عموی پدر خود ازدواج کرد و به همراه همسرش به کرمانشاه رفت؛ اما این وصلت نامتناسب بیش از دو ماه و نیم طول نکشید و او به خانه‌ی پدر بازگشت و نه ماه بعد به طور رسمی از همسر خویش جدا شد. (دهخدا، ۱۳۳۸، ج ۱۴: ۲۹۲)

یکی از چهار برادر پروین اعتصامی به نام ابو الفتح اعتصامی که تمام عمر با خواهر بوده و از همه‌ی جریانات زندگی او اطلاع داشته، علت اصلی این جدایی را مغایرت فاحش اخلاق و طرز تفکر طرفین عنوان کرده است. به گفته‌ی او، مردی که با دختر یوسف اعتصامی ازدواج کرد، یک مرد عامی و بی سواد نبود؛ بلکه از افسران شهربانی بود که به هنگام وصلت با پروین اعتصامی، رئیس شهربانی کرمانشاه بود؛ اما عیب کار در آن بود که اخلاق نظامی او با روح لطیف شاعر تناسب نداشت؛ علاوه بر آن، دختری که در خانواده‌ی پرورش پیدا کرده بود که هرگز پای مشروب و تریاک به آن باز نشده بود، نمی‌توانست در خانه‌ی زندگی کند که یک دم از این‌ها خالی نبود؛ لذا همگامی این دو طبع مخالف دیری نپایید. (چاووش اکبری، ۱۳۸۷: ۲۳۸)

شاعر جوان، در سه بیت زیر به ناکامی خود در زندگی زناشویی چنین اشاره کرده است:

ای گل، تو ز جمعیت گلزار چه دیدی؟	جز سرزنش و بد سری خار چه دیدی؟
ای لعل دل افروز! تو با این همه پرتو	جز مشتری سقله به بازار چه دیدی؟
رفتی به چمن لیک قفس گشت نصیبت	غیر از قفس، ای مرغ گرفتار! چه دیدی؟

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۳۲۳)

۳-۲- پروین و پدر

در زندگی شخصی و خانوادگی شاعر، حضور پدر، بسیار پررنگ و تأثیر گذار بوده است. مطالعه‌ی قطعه‌ی ای که پروین اعتصامی در تعزیت پدر سروده، بیانگر این واقعیت است.

یوسف اعتصامی که خود، نویسنده‌ی توانا و ادیبی ممتاز بوده، در تعلیم و تربیت دختر و پرورش استعدادهای او، نقش مؤثری داشته (یوسفی، ۱۳۸۸: ۴۲۳ نیز رک: آرین پور، ۱۳۸۲، ج ۳: ۵۳۹) و مرگ کسی که شاعر، تربیت ذوق و پختگی طبع خود را مرهون او می‌دانسته، زندگی او را به سوگ و ماتمی دایمی تبدیل کرده بوده است. (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۳۶۴)

بررسی موشکافانه‌ی مرثیه‌ی پروین اعتصامی در مرگ پدر، حاکی از آن است که رابطه‌ی عاطفی عمیقی میان پدر و دختر وجود داشته و هر دو غمگسار یکدیگر بوده‌اند. یوسف، غمخوار روزگار، تنهایی و حیرانی شاعر بوده، او را چون گنجی پاسبانی می‌کرده است و دختر، از سرچشمه‌ی دل، پدر را طراوت و شادابی می‌بخشیده، برای او غزل خوانی می‌کرده است؛ از این رو، از دست رفتن پدر، غمی جانکاه برای شاعر بوده و او را بی‌سر و سامان ساخته، زندگی‌اش را در تیرگی و تلخی فرو برده بوده است:

پدر آن تیشه که بر خاک تو زد دست اجل
آن که در زیر زمین داد سر و سامانت
رفتگی و روز مرا تیره تر از شب کردی
عضو جمعیت حق گشتی و دیگر نخوری
من که آب تو ز سر چشمه ی دل می دادم
من یکی مرغ غزل خوان تو بودم، چه فتاد
گنج خود خواندیم و رفتی و بگذاشتیم

تیشه ای بود که شد باعث ویرانی من....
کاش می خورد غم بی سر و سامانی من....
بی تو در ظلمتم ای دیده ی نورانی من....
غم تنهایی و مهجوری و حیرانی من...
آب و رنگت چه شد؟ ای لاله ی نعمانی من
که دگر گوش نداری به نوا خوانی من؟
ای عجب، بعد تو با کیست نگهبانی من؟
(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۰۶)

۴- خانواده در دیوان پروین اعتصامی

۴-۱- زن در خانواده

پروین اعتصامی در قطعه ای با عنوان «فرشته ی انس»، زن را قلب تپنده ی خانواده می داند که با حضور و عملکرد خود، زندگی را در شریان های اعضای خانواده جاری می سازد و مظهر عشق و دوستی و مهربانی است. او، رکن خانه ی هستی است و سرای بی او، سرایی است بی بنیان و بی پای بست که هر لحظه بیم آن می رود که ویران گردد. این وجود گران مایه، چون شمعی فروزان با گذاختن خود، راه تیره و تاریک زندگی را روشنایی می بخشد و با تابش مهر گونه ی خود بر کوه هستی، پرورش دهنده ی گوهر عشق است. زن آن گاه که رخ می نماید در شمایل فرشته ای است و بهترین زیور او گوهر علم و دانش است و چه نازیباست چنانچه در برابر در نظر گرفتن کمال برای مرد، برای او به نقصان قائل شد.

در آن سرای که زن نیست، انس و شفقت نیست
به هیچ مبحث و دیباچه ای، قضا نوشت
زن از نخست بود رکن خانه ی هستی
زن ار به راه متاعب نمی گذاخت چو شمع
چو مهر گر که نمی تافت زن به کوه وجود
فرشته بود زن، آن ساعتی که چهره نمود
برای گردن و دست زن نکو، پروین

در آن وجود که دل مرد، مرده است روان
برای مرد کمال و برای زن نقصان
که ساخت خانه ی بی پای بست و بی بنیان؟
نمی شناخت کس این راه تیره را پایان
نداشت گوهری عشق، گوهر اندر کان
فرشته بین که بر او طعنه می زند شیطان...
سزاست گوهر دانش، نه گوهر الوان
(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۰۰-۲۰۳)

در این ابیات، زن بیشتر به طور مطلق -نه به عنوان همسر و یا مادر- مورد توجه قرار گرفته است؛ گرچه در برخی ابیات تصور می شود که به نقش و جایگاه او در مقام مادر اشاره می گردد. به هر تقدیر، آن چه بیشتر در این ابیات به چشم می آید، نقش زن در غنای کارکرد روانی خانواده است. یکی از عوامل بسیار مؤثر در استحکام کانون خانواده، تقسیم کار اعضا در معنی وسیع کلمه است که کارهای اقتصادی، مدیریتی، خدماتی، عاطفی و غیره را شامل می شود. امیل دورکیم^۱، بر نقش مؤثر

۱. Emile Durkheim

تقسیم کار در بین اعضای خانواده در ایجاد همبستگی بین آن‌ها تأکید می‌ورزد. (دور کیم، ترجمه ی پرهام، ۱۳۶۹: ۱۳۷) این نگرش کارکردی دور کیم، در آثار کسانی چون «پارسونز»^۱ شرح و بسط می‌یابد. پارسونز، نقش محوری تقسیم کار جنسیتی را در حفظ وحدت و انسجام خانواده مورد توجه قرار می‌دهد. تقسیم کاری که وظایفی چون کسب درآمد و تأمین معاش خانواده را بر عهده ی مرد و وظایفی چون کدبانوگری و خانه داری را بر عهده ی زن می‌نهد. (بستان، ۱۳۸۵: ۲۰۰)

از نظر پارسونز، مرد نقش ابزار ی و زن، نقش بیانگر دارد. نقش ابزاری، حالات مردانه و نقش بیانگر، حالات زنانه را شامل می‌گردد. مرد، با پایگاه اجتماعی بخشیدن به خانواده از طریق شغل خود و حفظ امنیت و آسایش خانواده از طریق درآمد حاصل از شغل خویش و زن با ایجاد روابط عاطفی، می‌توانند در ایجاد و حفظ وحدت در خانواده تلاش کنند. (اعزازی، ۱۳۸۸: ۱۲۰)

پروین اعتصامی در ایبات یاد شده، زن را به سبب نقش مؤثرش در ایجاد فضای گرم و عاطفی در خانه مورد ستایش قرار داده است؛ گفتنی است اگر چه مردان نیز با رفتار مناسب خود می‌توانند در به وجود آوردن و گسترش محیطی سرشار از عشق و عطوفت تلاش کنند؛ اما زنان به سبب خلقت ویژه ی خداوندی، از استعداد بی نظیری در این زمینه برخوردارند؛ چرا که مسئولیت های متفاوت زن و مرد، خصایص روانی متفاوتی را نیز طلب می‌کند.

از آن جا که نظام آفرینش، وظایفی چون تولید مثل و پرورش فرزند را بر عهده زن نهاده است، قطعاً از نظر روحی نیز خالق متعال ویژگی هایی در وجود او تدارک دیده که بتواند از عهده ی این مهم بر آید؛ ویژگی هایی چون محبت، عشق ورزی، مهربانی، ایثار و... همان گونه که از نظر جسمی نیز شرایط لازم را متناسب با وظایفی که برای او در نظر گرفته، برایش فراهم آورده است. (جمشیدی و دیگران، ۱۳۸۸: صص ۱۶۱ و ۱۴۶-۱۴۷)

۴-۱-۱- زن در نقش همسر

زن در جایگاه همسر، زندگی خود را با مردی سهیم می‌گردد که با او زیر یک سقف به سر می‌برد و با او تعاملاتی دارد؛ بنابراین دیگر نمی‌تواند تنها به خود و مصالح خویش بیندیشد. او باید به اوصافی متصف گردد و رفتارهایی پیشه سازد که در زندگی مشترکی که آغاز نموده موفق گشته، به اهدافی که در نظر دارد دست یابد. بدیهی است در این میان، همسر او نیز در نیل به موفقیت ها و دست یابی به آرمان ها به نوعی به او وابسته است و این هر دو، برای پیمودن راه زندگی و غلبه بر مشکلات و رسیدن به تکامل، نیازمند یاری یکدیگرند و حتی اگر در این میان عیب و نقصی وجود داشته باشد و یا حادث شود، هر دو آن‌ها موظف اند در رفع و پوشیدن آن تلاش کنند و زیبایی خود را در زیبایی همسر خویش جستجو کنند، چنان که شاعر می‌گوید:

اگر رفوی زنان نکو نبود، نداشت به جز گسیختگی جامه ی نکو مردان

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۰۱)

خدای متعال در قرآن کریم، زن و مرد را به لباس یکدیگر همانند می‌سازد که هر یک عیوب

۱. Parsonz

دیگری را می پوشانند: «هَنْ لِبَاس لِكَمْ و انتم لباس لَهَنْ» بقره ۱۷۸
 مطلب دیگری که شاعر در جایگاه همسر برای زن عنوان می کند، یاری رسانی به مرد است. او بر این باور است که یاری و مساعدت زن در امور زندگی، می تواند چون توشه ای مرد را همراهی کند:
 توان و توش ره مرد چیست؟ یاری زن حطام و ثروت زن چیست؟ مهر فرزندان
 (پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۰۱)

البته بدیهی است در این جا، مراد از یاری گری مرد، همدلی و همفکری با او در مسایل مختلف زندگی و حمایت و همراهی با او در نیل به اهداف متعالی است. حسینی در کتاب «روابط سالم در خانواده»، به زنان سفارش می کند کاری نکنند که همسرشان با اطمینان خاطر با دنیا و مسایلیش روبه رو شود؛ همچنین «این باور را نباید فراموش کرد که پشت سر هر مرد پیروز، یک زن پشتیبان ایستاده است» (حسینی، ۱۳۹۰: ۶۴)

به اعتقاد این بزرگ بانوی شاعر، زن علاوه بر آن که باید چون کدبانو به وظایف خود به وجهی نیکو عمل کند؛ باید چون طیبی حاذق و پرستاری دلسوز، آلام افراد خانواده را تسکین بخشد و چون شحنه ای بیدار و دربانی آگاه، مراقب باشد و از ورود هر آن چه به سلامت و آرامش خانه آسیب می رساند، به درون خانه ممانعت به عمل آورد.

زن نکوی، نه بانوی خانه تنها بود
 طیب بود و پرستار و شحنه و دربان
 (پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۰۲)

گفتنی است اگر چه طبابت و پرستاری با طبع لطیف زنان سازگار است؛ اما در مورد شحنگی و دربانی، بیشتر باید مرد را مسئول دانست. حسینی می نویسد: «پدر که سرپرست خانواده است، با سنگربانی و دزبانی، آرامش و احساس امنیت را در وجود دیگر اعضای خانواده ایجاد می کند» (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۵۴-۱۵۵)

قابل ذکر است، پروین اعتصامی در مواردی دیگر نیز از زن به عنوان «نگهبان» یاد کرده است.
 (رک: پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۱۳۷، ۲۵۵، ۹۹)

دیگر آن که زن، در روزگار خوشی و سلامت چون یار و رفیقی مهربان در کنار همسر و در روز حادثه، غمخوار و یاری کننده ی اوست و شریک زندگی خویش را در ناملایمات تنها رها نمی سازد.
 به روزگار سلامت، رفیق و یار شفیق
 به روز سانحه، تیمار خوار و پشتیبان
 (پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۰۲)

یکی از عوامل مؤثر در ایجاد روابط سالم میان زوجین، هماهنگ کردن خود با شرایط زندگی است. زوج های موفق، با منطبق ساختن خود با شرایط زندگی، به نوعی تعادل دست می یابند. زوج های تطبیق پذیر، قادرند عادت ها و انتظارات خود را اصلاح کنند تا بتوانند با کمبودها و مشکلات زندگی کنار بیایند. (حسینی، ۱۳۹۰: ۶۷) بنابراین، یکی دیگر از خصلت های نیک زن در جایگاه همسر، سازگاری او و روی ترش نکردن در کم و کاستی هاست.

ز بیش و کم، زن دانا نکرد روی ترش به حرف زشت، نیالود نیک مرد دهان
(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۰۲)

روشن است در زندگی مشترک، همیشه اوضاع بر وفق مراد نیست و گاه زن و شوهر با مشکلات
عدیده ای مواجه می شوند، در این شرایط، به اعتقاد شاعر، هم مرد و هم زن، باید در برگرداندن آرامش
به زندگی و تعدیل اوضاع، مشارکت کنند؛ چراکه «خانواده این گنجایش را دارد تا» چند جان در یک
بدن باشد و زمانی که به نظر می رسد حوادث وحدت خانواده را می گسلند به مراتب قوی تر
دور هم حلقه بزنند. (پرسال^۱، ترجمه ی گنجی زاده، ۱۳۷۹: ۶۱۳)

سمند عمر چو آغاز بد عنانی کرد گهیش مرد و زمانیش زن گرفت عنان
(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۰۲)

۴-۱-۲- زن در نقش مادر

۴-۱-۲-۱- جایگاه مادر

اگر چه شخصیت زن به طور مطلق در جوامع گوناگون، بسته به دین و فرهنگ غالب بر جامعه، متغیر
و متفاوت است؛ اما «برای اکثر مردم کلمه ی «مادری» انواع هیجان های خوشایند مثل محبت، قدرت،
حمایت، آمادگی خدمت گذاری و ایثار را تداعی می کند» (ماتلین^۲، ترجمه ی گنجی، ۱۳۹۰: ۱۶۷)
مادر در دیوان پروین اعتصامی، از جایگاهی بس رفیع برخوردار است. این بانوی شاعر معتقد است
افرادی که در دنیا صاحب نام و بزرگ گشته اند، همه در کودکی مادرانی بزرگ داشته اند و همه ی انسان
ها در کودکی در مکتب مادر شاگردی می کنند و الفبای زندگی، اخلاق و انسانیت را نزد مادر می آموزند،
سپس با توجه به تعلیماتی که دیده اند و آموزه هایی که فرا گرفته اند در اجتماع عرض اندام می کنند.

اگر فلاطن و سقراط بوده اند بزرگ بزرگ بوده پرستار خردی ایشان

به گاهواره ی مادر، به کودکی بس خفت سپس به مکتب حکمت حکیم شد لقمان

چه پهلوان و چه سالک، چه زاهد و چه فقیه شدند یکسره شاگرد این دبیرستان....

همیشه دختر امروز مادر فرداست ز مادر است میسر بزرگی پسران

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۰۱)

در تشبیهاتی که اطفال یتیم از مادران خود ارائه می هند نیز، ارزش مادر به روشنی آشکارست.

مادرم بال و پررم بود و شکست مرغ، پرواز به بال و پر کرد

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۴۴)

مادرم گوهر من بود ز دهر زاغ گیتی، گهرم را دزدید

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۱۷۷)

گل اگر بود مادر من بود چون که او نیست گل به گلشن نیست

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۳۴)

۱. Porsal

۲. matlin

۴-۱-۲-۲-مهر و عطوفت مادری

مهر و عطوفت مادری امری فطری است که خالق هستی در وجود مادران به ودیعه نهاده است، لذا این ویژگی در وجود تمام مادران به عنوان سرمایه ای بالقوه برای پرورش فرزند دیده می شود و اگر احیاناً در میزان و چگونگی بروز آن، گاهی اختلافات و اختلالاتی دیده می شود، منشأ آن را در عوامل تأثیر گذار دیگر باید جستجو کرد. انسان به ویژه در کودکی، نیاز مبرم به محبت مادر دارد. گفته اند فقدان مادر، سلامتی کودک را از لحاظ روانی به مخاطره انداخته، ادامه ی زندگی او را تهدید می کند. (گینات^۱، ترجمه ی سرتیپی، ۱۳۸۲: ۱۲۹) در واقع مادر، واسطه ای میان دنیای درون ذهنی کودک و دنیای واقعی خارج از وجود او محسوب می شود و توجه مادرانه، باعث تثبیت فردیت و هویت شخصی کودک می گردد. (پرینگل^۲، ترجمه ی ایجادی و شفیع مقدم، ۱۳۸۶: ۶۱) می توان گفت مراقبت محبت آمیز مادر از فرزندش، امری منحصر به فرد است؛ چرا که متناسب با نیازهای خاص و فردی هر کودک صورت می گیرد و جایگزینی چنین محبتی بسیار دشوار می نماید (پرینگل، ترجمه ی ایجادی و شفیع مقدم، ۱۳۸۶: ۶۱)

روان شناس نامی کودک، «هایم جینات^۳» می گوید: «محبت مثل ثروت است» (فیبر و مزلیش^۴، ترجمه ناصحی، ۱۳۸۶: ۱۷) پروین اعتصامی نیز در مصرعی، عشق فرزند را ثروت زن می داند:

حطام و ثروت زن چیست؟ مهر فرزندان (پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۰۱)

مهر مادری، بارزترین ویژگی مادر در دیوان پروین اعتصامی است که به انحای گوناگون، گاه از زبان طفل یتیم، گاه از زبان حیوانات به ویژه طیور و گاه در قالب ماجراهای تاریخی و شخصیت های واقعی به آن اشاره می شود. گرچه رشد عقلانی و عاطفی کودک در گرو محبت والدین است (امیر حسینی، ۱۳۸۴: ۵۴) و پدر و مادر در برآورده کردن نیازهای کودک از این حیث می توانند هر دو مؤثر باشند؛ اما مادر به سبب ویژگی های خاصی که نظام آفرینش در او تعبیه نموده، کانون محبت قلمداد می گردد و کودک بیشتر از این آبشخور خود را سیراب می سازد.

حدیث مهر کجا خواند طفل بی مادر؟ نظام و امن کجا یافت ملک بی سلطان؟

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۰۱)

کودکان یتیم در دیوان پروین اعتصامی بیش از همه به ارزش مادر و مهر و عطوفت او واقف اند و از فقدان مادر فغان بر می آورند:

روی مادر ندیده ام هرگز چشم طفل یتیم روشن نیست...
دامن مادران خوش است، چه شد که سر من به هیچ دامن نیست؟...

(پروین اعتصامی: ۳۴)

جالب این جاست در دیوان پروین، یتیمان بیشتر دختر اند و بیشتر از دردی بی مادری شکوه می کنند:

۱. Ginat

۲. pringel

۳. Haime jinate

۴. Feiber and Mezlish

دختری خرد شکایت سر کرد
 که مرا حادثه بی مادر کرد
 پروین اعتصامی: ۴۳)

دختری خرد به مهمانی رفت
 آن یک افکند بر ابروی گره
 مادرم دست بشست از هستی
 من کجا بوسه ی مادر دیدم؟
 در صف دخترکی چند خزید
 وین یکی جامه به یک سوی کشید...
 دست شفقت به سر من نکشید...
 اشک بود آن که ز رویم بوسید...
 (پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۱۷۶-۱۷۷)

حتی دخترک یتیم در قطعه ای به نام «بی پدر»، بر سر خاک پدر از بی مادری ناله سر می دهد و
 آرزوی مرگ می کند:

به سر خاک پدر، دخترکی
 که نه پیوند و نه مادر دارم
 صورت و سینه به ناخن می خست
 کاش روحم به پدر می پیوست...
 (پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۱۶۲)

۴-۱-۲-۳- شوق و لذت مادری

یکی از اهداف زن از ازدواج، تجربه کردن حس مادری است. (پریور، ۱۳۸۲: ۲۷) اگر چه اغلب زنان نسبت به سختی ها و دشواری های پذیرش این مسئولیت بزرگ آگاهی دارند؛ اما اکثراً - حداقل در جامعه ی ما- دست یابی به آن را آرزو می کنند و آن را لذت بخش می دانند. «دمارنف»^۱ می نویسد: «مادری باعث می شود زنان رابطه ای جدید با خودشان پیدا کنند. بنا براین می تواند سبب شود زنان از نوبه سوی اعماق فراموش شده تجربیات عاطفی بروند و در پرتو آن چه کشف می کنند به هویت خود دوباره بیندیشند» (دمارنف، ترجمه ی وجدانی، ۱۳۸۸: ۸۰)

در واقع مادر، با تجربه کردن این حس لذت بخش، خود را توانگرترین فرد روی کره ی خاکی به شمار می آورد و از فرزندش چون گنجی پاسبانی می کند. دختر یوسف اعتصامی، این احساس ناب شیرین را در یکی از سروده های خود که در آن گفتگویی بین گنجشک و کبوتری ترتیب می دهد، به زیبایی به تصویر می کشد. در این شعر، گنجشک مست و فریه از سرخوشی، از کبوتر لاغری که در آشیانه از جوجه هایش مراقبت می کند و به خاطر آن ها از لانه خارج نمی شود، می خواهد که چون او به بوستان آید و چشم بر مناظر بگشاید و از آب گوارا و میوه های تازه، دهان خشک را تر سازد؛ اما کبوتر در پاسخ می گوید:

خوشبخت طایری که نگهبان مرغکی است
 فریاد شوق و بازی اطفال، دلکش است
 سرسبز، شاخکی که بچینند از آن بری
 هر چند آشیانه گلین است و من ضعیف
 وانگه به بام لانه ی خرد محقری
 ترسم که گر روم، برد این گنج ها کسی
 باور نمی کنم چو خود اکنون توانگری
 از آشیانه فلد ناگه آذری
 ناچار رنج های مرا هست کیفری
 از سینه ام اگر چه ز بس رنج پوست ریخت

۱. Demarnez

شیرین نشد چو زحمت مادر وظیفه ای فرخنده تر ندیدم ازین، هیچ دفتری
(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۹۹-۱۰۰)

۴-۱-۲-۴-نصایح مادر

مادران در دیوان پروین اعتصامی، چه در شخصیت انسانی و چه در قالب حیوانات، اکثراً فرزندان خود را در امور گوناگون مشفقانه نصیحت می کنند و لزوم رعایت هر آن چه را که فکر می کنند در زندگی به کارشان می آید، گوشزد می نمایند. در قطعه ی زیر، مادر، کودک خردسالش را که به سبب فرورفتن خار در پایش از حرکت فرومانده، گریه می کند، به مقاومت و صبوری در مقابل حوادث و مشکلات فرامی خواند؛ در حالی که این رهنمود، بیشتر پدرانه است و فرزند باید آن را از جانب پدر دریافت کند. پرور می نویسد: «فرزندان باید عواطف انسانی و احساسات محبت آمیز را در دامن مادر و مبارزات صحیح زندگی و مرددی و مردانگی را از رفتار پدر بیاموزند» (پرور، ۱۳۸۲: ۲۴ نیز رک: قائمی، ۱۳۷۲: ۱۷۵)

خلید خار درشتی به پای طفلی خرد	به هم بر آمد و از پویه بازماند و گریست
بگفت مادرش این رنج اولین قدم است	ز خار حادثه، تیه وجود خالی نیست
هنوز نیک و بد زندگی به دفتر عمر	نخوانده ای و به چشم تو راه و چاه، یکی است
ندیده زحمت رفتار، ره نیاموزی	خطا نکرده، صواب و خطا چه دانی چیست؟
دلی که سخت ز هر غم تپید، شاد نماند	کسی که زود دل آزرده گشت دیر نزیست
ز عهد کودکی، آماده ی بزرگی شو	حجاب ضعف چو از هم گسست، عزم قوی است
هزار کوه گرت سدره شوند، برو	هزاره گرت از یاد افکنند، بایست

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۱۶۱)

در قطعه ای دیگر با عنوان «مادر دور اندیش»، ماکیان، مرغان خود را به کار و تلاش و تحمل سختی ها در کسب روزی فرامی خواند و آن ها را نسبت به خطرهایی که امثیت آن ها را به مخاطره می اندازد، آگاه می سازد. (رک: پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۱۳۳-۱۳۴)

در شعر «آرزوی پرواز» که کبوتر بچه ای هوس پرواز به سرش می زند؛ اما به سبب خردی و ناتوانی، از پا افتاده، اظهار عجز می کند، نصایح مادر بسیار حکیمانه است و مادر چون معلم اخلاق ظاهر می شود که با دیدن حرکات کودکانه ی فرزند خود، به بهترین وجه او را ارشاد و راهنمایی می کند.

کبوتر بچه ای با شوق پرواز	به جرأت کرد روزی بال و پر باز...
فتاد از پای و کرد از عجز فریاد	ز شاخی مادرش آواز در داد
کزینسان است رسم خود پسندی	چنین افتند مستان از بلندی
بدین خردی نیاید از تو کاری	به پشت عقل باید برد باری...
پریدن بی پر تدبیر مستی است	جهان را گه بلندی، گاه پستی است...

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۵۵)

۴-۲-۲-۴ مرد در جایگاه خانواده

دختر یوسف اعتصامی، راجع به مرد به طور مطلق در دیوان خود سخن چندانی نگفته و آن چه هست، در مقام همسر و پدر است؛ بنابراین، در این مجال، نقش مرد در این دو جایگاه بررسی می شود.

۴-۲-۱-۲-۴ مرد در جایگاه همسر

شاعر، زیبایی مرد را در زیبایی زن جستجو می کند و معتقد است این دو چون لباسی باید عیوب یکدیگر را بپوشانند، همچنان که پیش از این در بخش جایگاه زن به عنوان همسر، در این باره سخن رفت.

اگر رفوی زنان نکو نبود نداشت بجز گسیختگی، جامه ی نکو مردان

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۰۱)

او یاری و همراهی زن را چون سرمایه ای برای مرد تصور می کند که با بهره گیری از آن می تواند با توان بیشتری از پس امور و مشکلات بر آید؛ اما در مقابل، عشق فرزندان را سرمایه ی زن می داند.

توان و توش ره مرد چیست؟ یاری زن حطام و ثروت زن چیست؟ مهر فرزندان

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۰۱)

در باور اعتصامی، مرد در ارتباطات کلامی با همسرش هرگز نباید زبان خود را به حرف زشت آلوده سازد:

زیبش و کم، زن دانا نکرد روی ترش به حرف زشت نیالود نیک مرد دهان

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۰۲)

گفته اند: «(رابطه ی شوهر برتر با همسرش به گونه ای است که هرگز نسبت به او زبان تهدید، تنبیه، تحقیر و تخریب شخصیت ندارد، هر چه هست، زبان محبت، صداقت و صمیمیت، ایثار و احسان، شکر و سپاس و تأیید و تکریم است)» (ماجر اجو، ۱۳۸۳: ۱۷)

شاعر به همان اندازه که از زن انتظار دارد در روزگار سختی در حفظ بنای زندگی تلاش کند، از مرد نیز در این مهم متوقع است:

سمند عمر چو آغاز بدعنائی کرد گهیش مرد و زمانیش زن گرفت عنان

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۰۲)

و بالاخره برای مردان چون زنان کسب علم را ضروری می داند و کامروایی و بزرگی را در این امر می بیند.

چه زن، چه مرد، کسی شد بزرگ و کامروا که داشت میوه ای از باغ علم در دامان

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۰۲)

۴-۲-۲-۴ مرد در جایگاه پدر

یکی از کارکردهای خانواده، کارکرد زیستی است که خود ابعاد گوناگونی دارد که از جمله ی آن ها رفع نیازهای بدنی و تأمین سلامت جسمانی است. (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۴۶-۱۴۷)

در اسلام و در فرهنگ غالب جامعه ی ایران، رفع نیازهای مادی خانواده چون غذا، پوشاک، مسکن و... بر عهده مرد است؛ اما باید دانست نقش و وظایف پدر در خانواده، تنها به رفع نیازهای اقتصادی اعضا محدود نمی شود؛ بلکه پدر نیز چون مادر در تربیت و تأمین امنیت و مرتفع ساختن نیازهای عاطفی فرزند سهیم است و در مورد فرزند پسر، با پا گذاشتن به سنین نوجوانی، باید زمینه ی اشتغال او را در

کار و حرفه ای مناسب نیز فراهم آورد. (حسینی، ۱۳۹۰: ۹۶ و ۱۱۵)
 اگر پدری، همه ی فکر و اندیشه ی خود را صرف رفع نیازهای جسمانی فرزندان کند، در واقع وظایف خود را به طور کامل ادا نکرده است. پدر باید به فرزند خود در انتخاب هدف زندگی کمک کند و به او بیاموزد چگونه در زندگی با مشکلات روبه رو شود و چگونه راه حلی برای آن ها بیابد. (قائمی، ۱۳۷۲: ۱۷۵) با این حال، در دیوان پروین اعتصامی، تنها، نقش پدر از جهت تأمین معیشت بسیار پررنگ است و حتی یتیمانی که در اشعار شاعر از بی پدری ناله سر می دهند، بیشتر به سبب از دست دادن حمایت های مادی پدر شکوه می کنند؛ چرا که از دست دادن این پشتیبان مالی، یتیمان را در انظار مردم کوچک و بی مقدار جلوه می دهد و این امر، آن جا که پدر از دست رفته فقیر بوده است، به مراتب شدت می یابد.

اطفال را به صحبت من، از چه میل نیست؟
 امروز، اوستاد به درس هم ننگه نکرد
 جز من، میان این گل و باران کسی نبود
 بر وصله های پیرهنم خنده می کنند
 کودک مگر نبود، کسی کو پدر نداشت؟
 ما نا که رنج و سعی فقیران ثمر نداشت...
 کو موزه ای به پا و کلاهی به سر نداشت...
 دینار و درهمی، پدر من مگر نداشت؟
 (پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۱۶۴)

در قطعه ی دیگری به نام «بی پدر» هم، دخترک یتیم صراحتاً اعلام می کند که گریه اش به سبب درد بی پدری نیست؛ بلکه فقر و تنگدستی پدر که موجب مرگش گشته، او را این چنین پریشان ساخته است:

به سر خاک پدر دختر کی
 که نه پیوند و نه مادر دارم
 گریه ام بهر پدر نیست که او
 زان کنم گریه که اندر یم بخت
 پدرم مرد ز بی دارویی
 صورت و سینه به ناخن می خست
 کاش روحم به پدر می پیوست
 مرد و از رنج تهیدستی رست
 دام بر هر طرف انداخت گسست...
 و ندرین کوی، سه دارو گر هست...
 (پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۱۶۲)

در مثنوی «گره گشای» نیز، پیرمرد مفلس اگر چه در دوران فرتوتی به سر می برد؛ اما بر خود واجب می داند هر طور شده، اسباب معاش فرزندان بیمار خود را مهیا سازد و به سبب فقر و تهی دستی، دست نیاز به سوی مردم دراز می کند:

پیرمردی، مفلس و برگشته بخت
 هم پسر، هم دخترش بیمار بود
 این دوا می خواستی آن یک پزشک
 این غسل می خواستی آن یک شوربا
 روزها می رفت بر بازار و کوی
 روزگاری داشت ناهموار و سخت
 هم بلای فقر و هم تیمار بود
 این غذایش آه بودی، آن یک سرشک
 این لحافش یاره بود، آن یک قبا
 نان طلب می کرد و می برد آبروی...
 (پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۲۶)

۴-۲-۳-نصایح پدر

در دیوان پروین اعتصامی، پدران، فقط پسران خود را نصیحت می کنند و حتی یک مورد از پند پدر به دختر نشانی نیست. مادران، هم به فرزند دختر و هم به پسر خود عنایت دارند؛ اما پدران بیشتر پسران را مورد توجه قرار می دهند و نصایحشان هم بیشتر حول و حوش شغل و حرفه ای است که معاش خانواده را تأمین می کند. در قطعه ای که برزگری پسر خود را پند می دهد، توصیه ها بیشتر درباره ی کار و چگونگی کسب درآمد توسط فرزند در آینده است؛ اما در لابه لای رهنمودها، توجه به اصول اخلاقی و رعایت آن ها نیز دیده می شود و پدر، توجه به فضایل اخلاقی را در رفتار و عمل به پسر گوشزد می کند. یکی از وظایف پدر، هدایت پسر به سوی خیر و سعادت و مصداق های احسان، ایثار و راستی و درستکاری است. (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۳۱-۱۳۲)

برزگری پند به فرزند داد	که ای پسر، این پیشه پس از من تراست...
کشت کن آن جا که نسیم و نمی است	خُرمی مزرعه ز آب و هواست...
هرچه کنی کشت، همان بدروی	کار بد و نیک، چو کوه و صداست...
راستی آموز، بسی جو فروش	هست در این کوی، که گندم نماست
نان خود از بازوی مردم مخواه	گر که تو را بازوی زور آزماست
سعی کن، ای کودک مهد امید	سعی تو بنا و سعادت بناست...

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۱۴۱)

در ماجرای قاضی بغداد که بر اثر بیماری، محکمه اش بی رونق می گردد و قاضی برای علاج کار و گرم شدن بازار، پسر را فراخوانده، به ادامه ی کار پدر در حق کشی ها ترغیب می کند، گرچه شاعر با در آمیختن حکایت با مقوله ی طنز، قصد دارد از دردهای جامعه پرده بردارد و انحرافات قاضیان را بیان کند؛ اما توصیه ها و نصایح پدر به پسر، باز هم حول محور مسایل شغلی و کاری است و جالب این جاست که قاضی ناراست، کژی های خود را به پسر نیز منتقل می سازد. البته در این امر، نیازی به این توصیه ها نیست؛ چرا که پسران به طور طبیعی، پدر را الگو قرار می دهند و در امور مختلف حتی علایق و ارزش ها به تقلید از پدر می پردازند. (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۳۲، نیز رک: گینات، ترجمه ی سرتیپی، ۱۳۸۲: ۱۳۴) و اصولاً رفتار و شخصیت والدین در رفتار و شخصیت فرزندان اثر مستقیم دارد. (کریمی، ۱۳۷۸: ۴۱)

قاضی بغداد شد بیمار سخت	از عدالتخانه بیرون برد رخت...
چون همی نیروش کم شد ضعف بیش	عاقبت روزی پسر را خواند پیش....
تو به مسند بر نشین جای پدر	هر چه من بردم، تو بعد از من ببر
خوش گذشت از صید خلق ایام من	ای پسر، دامی بنه چون دام من...
گاه باید زد به میخ و گه به نعل	گر سَنَد خواهند، باید کرد جعل
در رواج کار خود چون من بکوش	هر که را پر شیر تر بینی، بدوش...

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۲۴-۲۲۵)

۴-۳- زندگی مشترک زن و مرد

در خانواده، زن و شوهر دو رکن اساسی محسوب می شوند؛ چرا که کانون خانواده با ازدواج این دو تشکیل می گردد. هر بنایی که شکل می گیرد، برای حفظ خود باید پایه و ارکانی محکم و استوار داشته باشد تا بادها و طوفان های مخرب و سهمگین قادر نباشند آن را ویران سازند. پروین اعتصامی در تعبیری زیبا، وجود زن و مرد را در اقیانوس بی کران زندگی به کشتی و کشتیان همانند ساخته است:

وظیفه ی زن و مرد، ای حکیم! دانی چیست؟ یکی است کشتی و آن دیگری است کشتیان
(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۰۱)

مسلم است که برای حرکت ماندگار و بی خطر کشتی در اقیانوس، هم سلامت و استحکام کشتی ضرورت دارد و هم وجود کشتیانی حاذق و ماهر امری لازم و ضروری است؛ در غیر این صورت، با وقوع اندک پیشامدی، سلامت کشتی و سرنشینان آن به خطر می افتد. آن چه در این تشبیه جلب توجه می کند، ضرورت وجود زن و مرد هر دو به عنوان دو رکن اساسی برای ادامه حرکت در مسیر زندگی است. زن بی مرد و مرد بی زن، چون کشتی ای بی کشتیان و یا چون کشتیانی بی کشتی است که هیچ یک در زندگی به تنهایی راه به جایی نمی برند. نکته ی قابل تأمل دیگر در بیت یاد شده، عدم تمییز و برتری دادن یکی از این دو جنس بر دیگری است. اگر چه با در نظر گرفتن صنعت لف و نشر مرتب، می توان کشتی را بر زن و کشتیان را بر مرد اطلاق کرد؛ اما از معنی ظاهری این بیت چنین تشخیصی استنباط نمی گردد و شاعر بدون متمایز ساختن این دو از یکدیگر، یکی را کشتی و آن دیگری را کشتیان می نامد و خاطر نشان می سازد اگر کشتی محکم و ناخدا فردی اهل خرد باشد، از حوادث دهر باکی نیست و این دو رکن اصلی خانواده با سعی و تلاش خود بر تمامی مشکلات فائق می آیند.

چو ناخداست خردمند و کشتیش محکم دگر چه باک ز امواج و ورطه و طوفان؟
به روز حادثه، اندر یم حوادث دهر امید سعی و عمل هاست، هم ازین، هم از آن
(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۰۱)

سخنان شاعر در این ابیات، نشان می دهد که او در منشور فکری خود، معتقد به الگوی زن یا مرد سالاری نیست؛ بلکه مرد و زن را دو قطبی می داند که با مساعی همدیگر باید در رساندن کشتی زندگی به ساحل نجات، یکدیگر را یاری دهند، حال در این میان، ممکن است زن سکاندار باشد و یا این که مرد این وظیفه را بر عهده بگیرد، تفاوتی نمی کند، به هر حال، هدف مشترک است و مقصد یکی است.

از دیدگاه پروین اعتصامی نسبت به این مهم، در کتب روان شناسی روابط درون خانواده به عنوان یک ضرورت سازمانی و اجتماعی یاد می شود. روان شناسان بر این باوراند، هر جمع انسانی و از جمله خانواده، برای حفظ خود و رسیدن به اهداف خویش، ناگزیر از اعمال برخی سلطه ها از یک سو و پذیرش برخی از آن از سوی دیگر است. این سلطه گری و سلطه پذیری در این مواضع، به سبب برتری سلطه گر و ضعف سلطه پذیر نیست؛ بلکه یک ضرورت سازمانی و اجتماعی است. (احمدی، ۱۳۹۰: ۵۲) این امر در خانواده، از زن و شوهر آغاز می گردد و با تولد فرزندان، حتی به سوی آنان نیز

کشیده می شود. در واقع، همه ی اعضای خانواده در یک تلاش غیر رسمی و نامنسجم، گاه در صد سلطه گری بر دیگر اعضای خانواده اند و گاه به سلطه پذیری تن می دهند. این در نوع خود، یک تعامل اجتماعی در بین افراد خانواده است. در این میان، اگر زن و شوهر موفق گردند نقش خود را به گونه ای درست ایفا کنند، تعادل پایدار در زندگی به وجود می آید. در غیر این صورت، زندگی زناشویی با آسیب مواجه می گردد. (احمدی، ۱۳۹۰: ۵۹) اما باید دانست که سلطه گری و سلطه پذیری در زندگی زناشویی فرایندی واحد و مکمل است و سلطه گری از یک طرف بدون پذیرش سلطه، اغلب رابطه ای یک جانبه و غیر تفاهمی را موجب می گردد که به خانواده آسیب می زند. (احمدی، ۱۳۹۰: ۷۴-۷۵)

در تمثیل شاعر، کشتیبان نقش سلطه گر را دارد که با تدبیر خود، کشتی را در مسیر خود هدایت می کند؛ اما در روز حادثه، چنین انتظار می رود که هر دو طرف برای نجات زندگی مشترک نهایت سعی و تلاش خویش را به کار گیرند.

۴-۳- فرزندان در خانواده

فرزندان در خانواده های اشعار پروین اعتصامی، بیشتر در سنین کودکی هستند. اگرچه از کودکان در دیوان شاعر سخن بسیار به میان آمده است؛ ولی آن چه هست، بیشتر اشاره به برخی ویژگی های ذهنی، عاطفی و رفتاری آنهاست و از نقش آن ها در خانواده کمتر سخن رفته است. آن چه پروین اعتصامی از کودکان نقل می کند، با آن چه در متون ادبی گذشته چون قابوس نامه که متعلق به هزار سال پیش است آمده، تفاوت چندانی ندارد. امروزه کودکان در خانواده نقش بسیار پررنگی دارند و به خواست و نظر آن ها بسیار بها داده می شود؛ به گونه ای که برخی اصطلاح «فرزند سالاری» را درباره ی برخی خانواده ها به کار می برند، در حالی که در گذشته چنین نبوده است.

صرف نظر از اشعاری که در دیوان پروین اعتصامی از روابط عاطفی مادر و کودک سخن می رود، به ویژه آن جا که رشته ی کلام به دست کودک یتیم می افتد و قسمت هایی که مادر فرزند را نصیحت می کند و راه و رسم زندگی را به او می آموزد، آن چه در دیوان پروین اعتصامی بیشتر دیده می شود، سخن گفتن از بازی و شیطنت های کودکان و دل خوشی های آنان و اشاره به نادانی و بی تجربگی آنهاست.

بازیچه ی طفلان خانه گردد آن مرغ که بی پر چو ما کیان است

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۳)

به نُوید و به نوا طفل خوش است من چه دارم ز نوا و ز نوید

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۱۷۷)

عاقلسی دیوانه ای را داد پند کز چه بر خود می پسندی این گزند؟...

کودکان پیراهنت را می درند رهروان، کفش و کلاهت می برند...

دوش، طفلان بر سرت گل ریختند تا تو سر برداشتی بگریختند

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۲۴۴)

تا به کی کودنی و مستی و خود رأیی تا به کی کودکی و بازی و نادانی؟

(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۱۰۵)

جایی که آب و دانه و گلزار و سبزه ای است آن جافریب خوردن طفلان مبرهن است
(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۱۳۵)

تنها جمله ی حکیمانه ای که در دیوان شاعر از زبان یک کودک جاری می گردد، بیت زیر است که در ابیات بعدی آن درباره سرشت پاک کودکانه سخن می رود:
نهاد کودک خردی به سر، ز گل تاجی به خنده گفت، شهان را چنین کلاهی نیست
(پروین اعتصامی، ۱۳۸۹: ۱۵۹)

نتیجه گیری

مجموع بررسی ها پیرامون خانواده در دیوان پروین اعتصامی نشان می دهد، از میان اعضای خانواده، «زن» نقش مؤثرتر و پررنگ تری در خانواده و مناسبات خانوادگی دارد. او به طور مطلق، از جایگاه مهمی در غنای کارکرد روانی خانواده برخوردار است و خانه بی حضور او، روح و نشاط ندارد. در نقش همسر، او تقریباً همردیف مرد است، با این تفاوت که مرد می تواند یاری او را برای خود سرمایه ای قلمداد کند؛ اما زن از این جهت به مرد متکی نیست و در مقابل، مهر فرزندان را سرمایه ی خود می داند.

زن در نقش مادر، از جایگاهی بس والا و تأثیر گذار برخوردار است، در حالی که مرد در مقام پدر، نقش کم رنگی در دیوان پروین اعتصامی دارد و بیشتر به عنوان نان آور خانواده مطرح است و حتی برخی مسئولیت ها در زندگی که به نظر می رسد مربوط به اوست، مادر بر عهده می گیرد. زن و شوهر در نظر شاعر، هر دو به طور مساوی در تحکیم خانواده و حفظ آن از آسیب ها نقش دارند و هیچ یک در این امر بر دیگری برتری ندارد.

فرزندان که بیشتر به شکل کودکان در دیوان پروین اعتصامی از آن ها سخن می رود، اغلب در نقش طفلان یتیمی که از درد بی مادری شکایت می کنند، ظاهر می شوند و یا موجوداتی ضعیف و ناتوان که مادر پله پله، الفبای زندگی را به آن ها می آموزد و آنان را برای ورود به اجتماع آماده می کند. دختر یوسف اعتصامی اگر چه خود، زندگی زناشویی موفق نداشته؛ اما برای موفقیت در آن، رهنمودهایی دارد که از جمله ی آن، توصیه به همسان همسری در قالب یک تمثیل حیوانی است. او در ارتقا دادن به مقام زن، دیدی آرمان گرایانه دارد و در به تصویر کشیدن شخصیت مادرانه ی زن، تحت تأثیر حس فطری مادری است؛ اگر چه خود در زندگی شخصی، آن را تجربه نکرده است. نگاه او به فرزند و کودک، نگاه امروزی نیست و او در این خصوص، نه تنها تحت تأثیر فرهنگ عصر خود؛ بلکه عقب تر از آن است.

منابع

- قرآن کریم
- آرین پور، یحیی، (۱۳۸۲)، «از نیما تا روزگار ما»، ج ۳، زوار، چ چهارم، تهران.
- احمدی، علی اصغر، (۱۳۹۰)، «روان شناسی روابط درون خانواده»، انتشارات مهدی رضایی، چ ششم، تهران.
- اسکارپیت، روبر، «جامعه شناسی ادبیات»، ترجمه‌ی مرتضی کتبی، (۱۳۷۶)، سمت، چ دوم، تهران.
- اعتصامی، پروین، (۱۳۸۹)، «دیوان»، آدینه‌ی سبز، چ اول، تهران.
- اعزازی، شهلا، (۱۳۸۸)، «جامعه شناسی خانواده»، روشنگران و مطالعات زنان، چ هفتم، تهران.
- امیر حسینی، خسرو، (۱۳۸۴)، «خانواده‌ی خوشبخت، فرزند موفق»، روان شناسی تربیت فرزند از تولد تا ازدواج، نشر عارف کامل، چ هشتم، تهران.
- بستان نجفی، حسین، با همکاری بختیاری و شرف الدین، (۱۳۸۵)، «اسلام و جامعه شناسی خانواده»، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ دوم، قم.
- پر سال، پل، «قدرت خانواده»، ترجمه گنجی زاده، (۱۳۷۹)، نشر دایره، چ اول، تهران.
- پرینگل، میالی لی کلمر، «نیازهای کودکان، دورنمای فردی»، ترجمه‌ی ایجاد و شافعی مقدم، (۱۳۸۶)، نشر رشد، چ دوم، تهران.
- پریور، علی، (۱۳۸۲)، «خانواده و شادکامی»، بیکان، چ اول، تهران.
- جمشیدی، اسد... و همکاران، (۱۳۸۸)، «زن در فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی»، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ سوم، قم.
- چاووش اکبری، رحیم، (۱۳۸۷)، «حکیم بانوی شعر» (زندگی و شعر پروین اعتصامی)، نشر ثالث، چ سوم، تهران.
- حسینی، داوود، (۱۳۹۰)، «روابط سالم در خانواده»، بوستان کتاب، چ بیست و یکم، قم.
- دمارنف، دافنه، «غریزه‌ی مادری در مورد فرزندان، عشق و زندگی معنوی»، ترجمه‌ی وجدانی، (۱۳۸۸)، دفتر نشر معارف، چ اول، قم.
- دورکیم، امیل، «درباره‌ی تقسیم کار اجتماعی»، ترجمه‌ی باقر پرهام، (۱۳۶۹)، بابل، کتابسرای بابل.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۸)، «لغت نامه»، دانشگاه تهران، تهران.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۲)، «با کاروان حله»، نشر علمی، چ هفتم، تهران.
- زرین کوب، عبدالحسین و حمید، (۱۳۷۹)، «نقد ادبی»، دانشگاه پیام نور، چ هشتم، تهران.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰)، «مقدمه‌ای بر جامعه شناسی خانواده»، سروش، تهران.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۹)، «مقدمه‌ای بر جامعه شناسی خانواده»، سروش، چ سوم، تهران.
- سگالن، مارتین، «جامعه شناسی تاریخی خانواده»، ترجمه‌ی حمید الیاسی، (۱۳۷۰)، مرکز، تهران.
- شیخی، محمد تقی، (۱۳۸۰)، «جامعه شناسی زنان و خانواده»، شرکت سهامی انتشار، چ اول، تهران.

- فطوره چی، مینو، (۱۳۸۴)، «سیمای جامعه در آثار سنایی»، امیر کبیر، چ اول، تهران.
- فیبر، آدل و ایلین مزلیش، «کودک، خانواده، انسان» ترجمه ی گیتی ناصحی، (۱۳۸۶)، نشر نی، چ هشتم، تهران.
- قائمی، علی، (۱۳۷۲)، «نقش پدر در تربیت»، امیری، تهران.
- قائمی، علی، (۱۳۶۲)، «تشکیل خانواده در اسلام»، نشر دانش اسلامی، چ اول، قم.
- کریمی، عبدالعظیم، (۱۳۷۸)، «کودک، تربیت، زندگی»، انتشارات تربیت، چ اول، تهران.
- گینات، هایم جی، «رابطه بین والدین و کودکان»، ترجمه سیاوش سرتیپی، (۱۳۸۲)، اطلاعات، چ چهاردهم، تهران.
- ماتلین، مارگارت، «روان شناسی زنان»، ترجمه ی مهدی گنجی، (۱۳۹۰)، نشر ساوالان، چ اول، تهران.
- ماجراجو، محسن، (۱۳۸۳)، «نیازها و روابط زن و شوهر»، لاهوت، چ اول، تهران.
- یوسفی، غلامحسین، (۱۳۸۸)، «چشمه روشن»، (دیداری با شاعران)، نشر علمی، چ دوازدهم، تهران.

Archive of SID